

درس اسرار ازمین خبری هست

شماره‌ها و حبس و جزو اعدام مبارزان نه فقط نشانده قنوت و مابیناری جلیلی رژیم محمد رضاناه است بلکه از مقاومت، دلیری و نسیم نایدیری خلق آزاده ایران حدایت میکند .

رژیم محمد رضاناه همانند آن خونین هراس زده‌ای است که هر حصه حلقه محاصره انسانهای انتقام‌جو و سرافراز ترمینود و او را زهر آگین خویش را دیوانه و اربابین سووآن سوجواله میدهد .

رژیم محمد رضاناه بجهه چیز و همه کس عین است . از سایه خود نبر میبرد . به هاری بیسابقه ای گرفتار آمده است . جرات ندارد که پت آن انکتشن را از زمانه تفنگ بردارد . همه نوکرانش را وامیدار که بسطور نسکین "حاطر مبارک" با و از گروهی بخوانند و تکرار کنند که در کشور شاهنشاهی "دو عرب خبری نیست" "دو شرق خبری نیست" "دو جنوب و شمال هم خبری نیست" . ولی صغیر کوله هافر یاد میزند که رومه اینهاها ، در اسرار ایران زمین خبری هست "خبر مقاومت" روز افزون در برابر رژیم کودتا .

"ثبات رژیم" که اینهمه از آن دم میزند اما سناهای بیشتر نیست اگر رژیم محمد رضاناه نوانسته بود با مانورهای پیشمار خود قهرمانی از توده های مردم را بفریبد . اگر چه موقا - بر آنپانگیه زند با مزه عمر روزی فشار احتیاج نداشت . افزایش فشار نشان "مقاومت" است ، نواه عدم ثبات رژیم است .

سیاستی که رژیم کودتا در رنواحی خطر حیز افعال میشد نظیر همان سیاستی است که حکومت بیگانگان اعمال کرده حکومت ورنسخته چا - نیک بچک "حکومت نكودین" دم حکومت امروزی پونالی ساییک اعمال کرده و میکنند ، همان سیاستی که بنام "استقرار آراضی" خوانند ، میشود و جرات از لشکر کشی انتقام‌جویانه بر سر مردم ، کتار جباری و سق و انتقال اجباری سکنه . تا چند سال مرکز این "استقرار آراضی" فارس بود و اینک کردستان است . در تاریخ افسانه ای ما در ناهنامه فردوسی گفته میشود که کرد ها با قیامند مردمانی هستند که ضحاک مار و شمشیر آلود و مضر سوز آوارا خوراک ماران بی آرام خویش ساخت . این ضحاک خاره ای از آزادگی و بندگسلی خلق کرد است . اکنون ضحاک معاصر میشود که رژیم ضحاک افسانه‌ای را تشکیل کد . ننهاده رفته اول مهرماه ده تن از فرزندان دلیر نرد نیرباران شدند و هنوز هم نوبت سخن در کردستان بافتند است اما فقط کونه بیجان می پندارند که با سیاست "استقرار آراضی" میتوان توفان اجتماعی را مهار کرد . این توفان برانگیخته شرایط عینی ایران است و نیروی میلیونها ایرانی زحمتکش را با خود دارد . "سرم های کونادون که مرتجعان بر خلق انقلابی را امید دارند تا کزیر آبرو اسرا انجام به نوسعه و تقویت انقلاب وارد میشوند" (مائوسه دوز) هر چینی که ارتجاع صریح هزاران نعره بجهه خونخواهی بر می انگیزد و این خونخواهان نیز بر یازود بزبان گلوله با رژیم محمد رضاناه حسن دوا نمند کت . تفنگ هائی که در کردستان بردوش شریفزاده و یارانش بود بمنزله بر ستونی بهاری است و مزه میدهد که فصل نارنگی - دغالم پیکار رژیم محمد رضاناه آغاز میشود : فصل مقابله زور و انقلاب با زور و نجاعی .

برپیشاهنگان انقلابی ایران است تفکر مکه س جنگ انقلابی ، حده توده هانت و رهبری طبقه کارگر را پیش از پیش در توده ها رسوخ دهند و راه تحقق آن عملا کام کدارند . شرایط عینی ایران ، جویش انقلابی که در کوشه و کنار شور و با چشم مجبور ضرورت حزب طبقه کارگر را پیش از پیش نمایان میکند . بر مارکسیست ها - نینست هاست که تمام نیروی خود را در راه احیا حزب طبقه کارگر و عرصه ایران بدارند ازند . "ما باید با هر رهبری که هر که باشد مشروط بر اینکه بخواهد برنامه ، اساسنامه و تصمیمات حزب را اجرا" نماید وحدت نسیم " (مائوسه دوز) . وجود حزب طبقه کارگر توسط عموری پیروزی در جنگ انقلابی بود های

پیروزی عظیم انقلابی در چین توده‌ای

دوازدهمین پلنوم کسبه مرکزی منتخب هشتمین کنگره حزب کمونیست چین (۲۱ سپتامبر ۱۹۶۷) از آنجهت که نجارب دوسال انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی چین را جمع بندی کرده دارای اهمیت بسیار است .

دوازدهمین پلنوم کسبه مرکزی منتخب هشتمین کنگره حزب کمونیست چین معطایر است که انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی که شخیر رفیق مائوسه دوزین پیروای بزرگ مابرانگیزنده و رهبر آن است انقلاب سیاسی عینی است که پرلناریا در شرایط یکسان پرلناریا بر عده بورژوازی و سایر طبقات انتشار کرا انجام میدهد . . .

برایک انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی ثابت کرد که همچنان که رفیق مائوسه دوزین گفته است این انقلاب برای تحکیم دیکتا توری پرلناریا ، جلوگیری از احیا " سرمایه داری و برای ساختمان سو - سیاسی ضرورت کامل دارد و بسیار موقوع است . . . در طی دو سالی که یکی از عریض ترین و حادث ترین مبارزات طبقاتی در میان یافت توده های خلق ، صد ها میلیون انسان ، به قیاسی که از لحاظ دامنه و عمق بیسابقه بوده است ، بسج شدند و پائینتینائی ارتش نه انحن چین و در طی زور آزمائیهای مکرر طبقاتی با آخرین ستاد بورژوازی را که لیوشائوس در رأس آن قرار داشت و تلاش میبوده میخواست رهبری حزب ، دولت و ارتش را تصد شد در هم شکستند ، ایادی او را در مناطق مختلف از پای آوردند و قدرت را از آن - عاصبان باز ستاندند . کسبه های انقلابی در ۲۹ ایالت و شهر داری تابع مقامات مرکزی و منطقه خود مختار یعنی در سراسر کشور با ستنا استان نایوان برقرار شدند . . .

"سوم خاطر نشان مسازد که تاریخ انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی کفشی بیش از دو سال از سیر آن میکند در تاریخ مبارزه جاری است بین دو طبقه ، بین دوازه سین و سیاست ، گانون ایمن مبارزه عارست از مسئله حکومت ، مسئله مبارزه میان پرلناریا و بورژوازی برای تصرف مقامات رهبری ، مسئله اینکه چه کسانی رهبری حزب و دولت را در دست خواهند گرفت : مارکسیستها یا بورژوازی - نیسها" . . .

"پلنوم بر آنست که حزب توده های انقلابی در طی انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی نفا از چهره ضد انقلابی لیوشائوس بی سر گرفتند و این امر پیروزی عظیم اندیشه مائوسه دوزین ، پیروزی عظیم این انقلاب بنام مائوسه . . .

پلنوم کسبه مرکزی حزب کمونیست چین بویزه د نتیجه عسده انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی را مورد مطالعه قرار داد : یکسی تحکیم حزب کمونیست چین و رهبری طبقه کارگر و دیکتاتیکس کسبه های انقلابی .

رویزونیستها و سایر دشمنان و نگارنگ مارکسیسم - لنینسیم با کسناخی تمام به پخش این افتراء دست زد مومیزند که کویا انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی در چین بدون رهبری حزب و حتی بر طبقه حزب صورت گرفته و میگیرد . ولی همه میدانند که سر آغاز آموزش کتاب سرخ مربوط به حزب است . در آنجا رفیق مائوسه دوزین میگوید : "حزب کمونیست چین هسته رهبری کننده تمام خلق چین است . سو ساییسم بدون این هسته نمیتواند پیروز شود" . اما حزب کمونیست را فقط در طی مبارزات انقلابی و از طریق مبارزات دوزینی با صرد کسبه و جذب نومیوان در سطح شایسته ایفا و وظائف تکمیل است و ارتقا" داد . اگر حزب ضحمر شود ، اگر برخی از کارها رهبری این نیروی در راه انقلاب بازماند ، اگر بورژوازی بر حزب چیره کرد و در آن صورت حزب در ایفا و وظائف خود در ماند معواهد شد . انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی چین جنبش بی نظیری در راه تهدید و خنلیم و جوان ساختمان حزب کمونیست چین بود موهسته این انقلاب که تحت رهبری شخص رفیق مائوسه دوزین و بر اساس

از آخرین نامه

"تا آخرین لحظه که گلوله ها قلم را خواهد شکافت افتخار پیوستگی و با خلق چون پیک سنگینی بر سر دشمنان میگویم . نرد پید ندارم که خلق قهرمان ما در پیشاپیش آن طبقه کارگر ، فانیسم را زنده بکند و خواهد کرد و پیروزی لانه آن بنای زندگی شاد آورده خود را بر دواهد افتراست ."

از آخرین نامه منوچهر مختاری (عنوان یکم)
عضو حزب توده ایران که در ۲۶ مرداد ۱۳۲۴ اعدام شد .

تصمیمات پلنوم یازدهم کسبه مرکزی صورت گرفت ده ها میلیون نفر از توده ها را با حرکت در آورد ، با آنها آگاهی بخشید ، آنها را به مداخله در کسبه نشون اجتماعی راه نشانده ، از آنها برای افشا " آن عدمازده های حزبی کاروش پرلناریائی منحرف شده

سراوه سرمایه داری کرائیده بودند کت گرفت و این طریق حزب راپالیزه نره پت . بارچه نره فعال ترمینوده هانزد بکس ساخت .

لنین در ۱۹۲۱ در باره تصفیه حزب چنین گفت : " تصفیه حزب با در نظر گرفتن تذکرات زحمتکشان غیر حزبی امر خطیری است اینبار برای مانتاچ "دی بیار خواهد آورد . این کار حزب را بتابه پیش آمده کسبه ، مراتب نیرومند تر از سابق میسازد که با طبعه ، رابطه مردم تر اردناضیه را در میان انبوهی مشکلات و خطرات بجانب پیروزی رهنمون باشد "

امروز این آموزش های رفیق مائوسه دوزین در حزب کمونیست چین اجرا شده و میشود : " سازمانها ی حزب باید از عناصر پیشرو پرلناریا ترکیب شود . سازمانهای مذکور باید سازمانهای پیش آمده کسبه و فعال باشند و بتوانند پرلناریا توده های انقلابی را در رنبرد با دشمن طبقاتی رهبری کنند . " طبقه کارگر باید رهبری خود را در همه چیز اعمال کند . " دیکتاتوری پرلناریا در زمینه رشنا ، و از آن جمله در کسبه رشنا های فر هنگی " باید عملی شود . " شورما ۲۰۰ میلیون جمعیت دارد و غنیه کارگر طبقه رهبران است . نقش رهبری این طبقه در انقلاب کبیر فر هنگی پرلناریائی و در ره کار باید بغیه در ص ۲

دانشجویان

برخی از جنایات رژیم

در فروردین اسامی محمد رضاناه شرفاس حقوق بشروا با بوق و کزناد رنهران بر کار کرد نا احتناق و تروور و زمین را از جهانیان بیوشاندند تا در مقابل سرکوب اعتراضات دانشجویان دانشگاه های تبریز ، تهران ، شیراز و اصفهان که از ماها قبل از اهدا نیت نظا هری بعد موکراسی شد . ولی آنچه محمد رضاناه برای پونشن چنانا حیوش می آفریند با موع جردیدی از نظا هرات ، نارفا نیتی و مقاومت از هم درید میشود و رژیم محمد رضاناه ناچار است که از سرست زن خود پیروی کرد و میرای حفظ حیوش به جنایت تازه ای بپردازد رژیم در مقابل مبارزه خلق کرد به فرستادن ارتش برای سرکوبی مبارز آزاد بخواهانه آنان اشفاق نمود بلکه با بیرحمی تمام اجساد عد های از مبارزان د لیر کرد رابه پشت ماشین در حیا بانهای شهر نشانید . خبر هائیکه از میان احتناق خاکد ر ایران بکوش می رسید در عین حال حاشی از اون مبارزه دانشجویان درون ایران بسوزند دانشجویان برای تعطیل شهر به دانشگاه به نظا هرات صنفی بردا جواب محمد رضاناه به این ابتدائی ترین خواست دانشجویی چه بود ؟ دستگیری دانشجویان ، فرستادن آنان به سرایزی می زندان ، تعداد دستگیر شدگان ، زندانیان ، شکنجه شدگان و سر فرستادن شدگان در ماههای اخیر هر یکس جز خود رژیم معلوم نیست . این ارحصصیات رژیم است که عتاقی را از مردم پنهان دارد محیط احتناق در ایران به محمد رضاناه امان پوشاندن حقایق را میدهد . اما نوسله ضد های فانیستی حتی از خش احبار مربوط به اعضا یات دانشجو یان درون ایران نیز جلوگیری . در چنین شرایطی است که مبارزه وسیع و یکپارچه دانشجویان ایرانی خارج از کشور عرصه ای است به رژیم محمد رضاناه و کت قابل توجهی است به مبارزات خلق ایران در درون کشور .

مبارزه دانشجویان برای افشا جنایات رژیم در مقابل خلق کرد و ماوش بیس شس وین که از طرف کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی ترتیب داده شده بود اجازه نداد که محمد رضاناه احتناق خود را به دانشجویان خارج از کشور نیز تحمیل کند پس از ۵۵ هی از صد رژیم جنی بر محاله ۱۷ دانشجویان و شرفاس ایرانی و اعدام رنرا از آن دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا به تدارک مبارزهای وسیع پرداختند . اعلامیه ها ، سخنرانیها و جنسی اشغال سفارتخانه در رم زمینه مبارزه قاطع را فراهم ساختند . براترین مبارزات که بر پایه اتحاد و همکاری توده های دانشجویی صورت گرفته و هر لحظه اون میگیرد ، رژیم مجبور شده است که دستگیر و محاله ۱۷ نفر اعتراضی شد . اعتراضی که بهر حال مورد پسند رژیم نبود . هم اکنون شور و مبارزه و پیکار در بد با ظر هائی زندانیان سیاسی و فرباسیان رژیم در میان دانشجویان ایرانی متهم اروپا و بغیه در ص ۲

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده‌ای است

پنهان کاری

ما میتوانیم ابتکار عملیات را درست داشته باشیم .

نیروهای انقلابی و از آنجمله سازمان مادر هر نقطه یک فعالیت میکند و رهبریک از فعالیتهای خود باید اصل پنهان کاری را پیوسته در مد نظر قرار دهد و در تحقق آن بکوشد . مساعانه نفعاتنا کون این اصل مراعات نشده ، بلکه تجربه گذشته نشان میدهد که نیروهای انقلابی بملل کونا کون خود در شنا ساندن افراد انقلابی نادر استمد من یاری رسانیده فاند . امروز سازمان اضیت ایران توانسته است افرادی را از کوروانات بحدت خویش بگمارد . اینها هم با کارانهای خود بدین هیچگونه احساس نرسیم همپینا جوان خود را ، کسانی را که به آنها اعتماد میکنند بدست روحیمان سازمان اضیت می سپارند . جوانان ما باید به شناختن و شناساندن این فرومایگان همت گمارند و آنها را از صفوف خود برانند . این فرومایگان نیز باید از هم اکنون بپوشیده و بدین لهرنخواهد ماند . از صلب نمی دور افتادیم .

پنهان کاری چیست ؟

پنهان کاری عبارت از آن شیوه عملی است که به سازمان سیاسی غیبه کارگرواعضای آن امکان میدهد که بدون آنکه از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی باز ایستند و خود را از خطر افشادن در دام دشمنان خلق محفوظ دارند . امکان میدهد که نیروهای خود را حفظ کنند . توسعه بخشند و نیروهای حریف دشمنی را در آورند . مادر اینجا فقط بر سر عرق پنهان کاری اشاره میکنیم .

هوشیار باشیم -

ما باید هیچگاه هیچ عنوانی فراموش نکنیم که دشمن پیوسته در کسب است و میکوشد ما را بشناسد ، بر افکار و اعمال ما و فویاید ، در سازمان ما بعد تحریب رخنه شد . فقط هوشیاری و کوشش بزرگی ما میتواند رخنه های وی را نفی بر آید . ما باید فعالیت سیاسی خود را هر شکلی منحصری که داشته باشد ، ظوری انجام دهیم که هیچ بر کمار بدست دشمنان و مخالفان نیفتد . البته ابتکار و شوار است ولی با صراحت میتوان در آن تاحدود زیادی توفیق یافت . بیوز به بانوجه باین نشه که در هر کاری که پیش از آنکه انجام آن ببرد ازیم ، متامل کنیم ، همه جوانب آنرا بسنجیم ، اثر لازم آید بانوجه به شرایط منحصر برای آن نشه ای بریزیم ، بازم اگر لازم آید برای اجرای آن از رفقای خود کمک بگیریم . مطالبه همه جانبه عمرامری ، پیش از پرداختن بآن دارای اهمیت بسیاری است . در هر روش ما چه در زمینه تفکر و چه در زمینه عمل تاثیر فراوانی دارد و ما را برای مبارزات بعرض آینه آماده میسازد . آسان گرفتن کارها ، سرسری عمل کردن آنها ، شتابزدگی در کار بدوون شک عواقب نامحسوسی در پی خواهد داشت .

به آغوش نرود هاپناه بریم

از بهترین عرق پنهان کاری پناه بردن به آغوش نود مها است مبارزان راه خلق میتوانند در درون نوده ها جای بسیار اضنی برای خود بیابند ، از هرگونه دشمنی و تعرض حصون مانند . برای آنکه بتوان در اسوه نوده ها جای گرفت و از تعرض دشمن برکنار ماند ، باید اعضا نوده ها را بدست آورد . برای آنکه اعضا نوده ها بدست آید ، باید در سلک آنها وارد آمد ، همزند آنها شد ، پی به آنها باید رسانید و در دم و نادی آنها شریک بود . در حل مشکل به آنها شک کرد ، سطح آگاهی آنها را بالا آورد ، در دفاع از آنها پیش قدم ندهد ، به آنها اعتماد کرد . . . بدوون شک آغوش نوده های مردم برای ننگبانی فرزندانمان که با آنها چنین رفتاری داشته باشند همیشه باز است .

بعضی از عناصر " چپ " با پیش کشیدن این اندیشه در که نوده ها را برانند و کار در میان نوده ها نیز فقط در صحنه ایران میتواند هجوم و معنی داشته باشد ، از کار در میان جوانان خارج از کشور که تعداد آنها به چند ده هزار بالغ میگردد ، سراز میزند و آنرا کارگرمی و بی حاصل و از آنها بدترین میسرند . با چنین نوری نمیتوان موافقت داشت . جوانان خارج از کشور علی رقم اینله در اروپا و امریکا پراشده اند ، بنا بر موقعیتی که دارند ، در شرایط خوبی کشورمان نیروی بزرگی را تشکیل میدهند . مبارزات در حشران آنها طی چند سال اخیر در افشا " ماهیت شاه و هیئت حاکمه ایران ، در دفاع از فرزندان مبارز خلق ، در ریشخانی از

در شرایط دشوار مبارزه کوشی سازمان ما باید پنهان کاری را به نهایت مراعات کند تا خود و اعضای خود را از دستبرد دشمنان حفظ و حراست نماید . صرفت عزار رژیم شاه و سازمان اضیت که در همه جا ، در ایران و خارج از آن به نثار انسانها مشغول است ، رویه - پیوسته های خودی و بیگانه نیز کف قابله و مبارزه افکار را بسود خویش می بینند میکوشند با دست عوامل خود فعالیت سازمان ما را متوقف کرد اند . از این رو مراعات اکید پنهان کاری از وظایف مهم و صرم سازمان ما و رفقای سازمانی است . رژیم ایران که مدتهاست آزادی را بسند کشیده و از هرگونه فعالیت ، حتی فعالیت در چارچوب مبارزه صنفی نیز با خشونت تمام جلوگیری میکند ، عناصر و سازمانهای انقلابی را تاحدودی به رعایت پنهان کاری وادار ساخته است .

معدلت این هنوز کافی نیست . مسلما شرایط فعالیت در خارج از کشور سو حاکمات وضع در درون کشور نیست ولی این نشه از اهمیت موضوع نمی آید . ما از هم اکنون باید به پنهان کاری حویکیریم و ندراب کافی در این زمینه بدست آوریم ، تا زمانیکه کار در ایران فرا میرسد نتوان و در مانده نشویم .

نیروهای انقلابی و از آنجمله سازمان ما امروز با دشمن نیرومند - رندک اند : جنگی که دشمن بلا انقطاع با اسلحه به رزمندگان راه استقلال و آزادی حمله و میسرند و با کشتار روزند ان و تبعید و زجر و شکنجه آنها را از صحنه مبارزه بیرون میکند . اما طرف مقابل سلاحی برای دفاع خویش در دست ندارد و مساعانه تا کون تصمیم فاطم بداشتن آن هم نگرفته است . در نتیجه دشمن امکان مییابد هر کجکه که پسند خاطر او است با وی معامله کند . " خلق زحمتکش ما که طی هزاران سال قربانی دروغ و ارباب طبقات حاکمه از نجاتی بوده است نمیتواند درک شده بودن یک تفکر درست او چقدر مهم است " (مائوتسه درون در سال ۱۹۲۶)

تا چون جنگ و مبارزه ایجاد میشود که ما هراند از بیشتر از دشمن اصلاح بدست آوریم تا در برابر حملات وی خود را حفظ کنیم و مانع از آن کردیم که دشمن از ما اطلاعی بدست آورد . اگر در این زمینه حوی عمل کنیم ، در واقع ما بخوبی دشمن را می بینیم . ولی دشمن را نسبت به خود در تار و پالی میکذاریم . فقط در چنین حالتی است که

بهریزی عظیم انقلابی . . . بقیه از ص ۱ بعد از کسرسر سرد . طبقه کارگر باید پیوسته آگاهی سیاسی خود را در پی مبارزه با برد .

پلوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ندراب تشکیل کمیته های انقلابی را نیز جمع بندی کرد . کمیته های انقلابی ارگانهای دولتی - مددی و یگانوری پرلناریا هستند که در کما کرم مبارزات بعرض و حاد و مساعانه کبیر فرهنگی بوجود آمده اند . رفیق مائوتسه درون در بار ما آنها چنین میگوید : " تجربی اساسی کمیته های انقلابی در پی نشه خلاصه میشود : کمیته های انقلابی مرکب میشوند از اولیا نمایان کارهای انقلابی ، نمایانانندگان ارتش ، و نمایانانندگان نوده های انقلابی . کمیته های انقلابی با این طریق معضرو حدت مساعانه انقلابی هستند . کمیته های انقلابی باید رهبری واحدی را اعمال کنند ، سازمانی اداری را در مدارج مختلف سازمان ریزند ، در مندانی لخص و پیوسته در ارهای ساده داشته باشند و صورت رهبری انقلابی پیوسته نمایند و ما در آید . "

چنانکه می بینیم پلی از هدفهای انقلاب کبیر فرهنگی درون رنگ را از ارگانهای دولتی و یگانوری پرلناریا است . کمیته های انقلابی را نمایندگان کارهای انقلابی که به مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه درون وادار مانده و در انقلاب فرهنگی از اعضا نوده های انقلابی برخوردارند ، نمایندگان ارتش نوده های که تحت رهبری حزب کمونیست چین نونه درخشانی در اجرای انقلاب فرهنگی بدست در عاقت و مساعد در یگانوری پرلناریا است ، و نمایانگان نوده های انقلابی که در طی در سال در کورن انقلاب کبیر فرهنگی آید بدمشد ماند تشکیل میدهند . این کمیته ها بجای ارگانهای دولتی سابق میشوند مساعانه ادارات ساده میشوند ، تعداد کارمندان بحد اظ پائین می آید ، کارها با کوری در میان نوده ها مافرتند میشوند ، مقررات بویوکرانیک ازین میروند تا آنکه کمیته های انقلابی بانوده ها از نوده های که پیوسته باشند ، ریتنا بل روند و وظایف و یگانوری پرلناریا را به بهترین صورت انجام دهند .

بهین میتوان گفت که در اثر انقلاب کبیر فرهنگی پرلناریائی حزب و حکومت سرخ چین نیرومند تر میشود ، همانند بکر ، نوده ها آگاه تر و در مساعانه سوسیالیسم فعال تر ، و یگانوری پرلناریا استوار تر ، اقتصاد چین شگرفان تر شد و خواهد شد . و انقلاب جهانی شمات کراسهائی از این پیروزیها بدست خواهد آورد .

مبارزات آزاد یعنی حلقهای منطقه نومان ها و در پنهان کاری آنها خلق قهرمان وینام تا نهری سزائی داشته است . فشار شدیدی در دستگاه حاکمه علیه این جوانان رزنده و تشیقاتی که هر روز نسبت به آنان اعمال میشود ، گواه بارزی بر تخریبش بودن مبارزات آنهاست . نادریده گرفتن چنین نیروی دور از اصول مبارزه است . در میان جوانان خارج از کشور نیروی انقلابی بزرگی نهفته است و طبقه اعضای سازمان ما است که بچیان آنان بیرونند آنها را در سازمانهای دانشجویی متشکل ساخته مبارز بکشاند ، با آنان همانگونه رفتار کنند که در شان نوده ها است . ما مطمئن داریم که از میان آنها میتوان بسیاری عناصر انقلابی وادار به طبقه کارگر ایران و سوسیالیسم پرورش داد . در میان جوانان دانشجویی و مکتبی خواهد بود که به ماشیه در در میان نوده ها را میآورند . شک نیست که وظیفه عمده و اساسی ما در صحنه ایران استولی به در میان جوانان خارج از کشور نیز نباید کم بها در .

بهر کس به اندازه لزوم سازمانی

در برابر دشمن غدار و خونخواری مانند سازمان اضیت ایران باید این نشه مهم را پیوسته به خاطر داشت که لزومی ندارد در سازمان سیاسی صحنی طبقه کارگر سازمانیکه با مبارزه خود و بانام اشکال مبارزه و بیوز به مبارزه مسلحانه در پی سرنگون نشه در دستگاه حاکمه کوشی است . همه کس از همه چیز مطلع باشند . نه تنها چنین چیزی لازم نیست ، بلکه اخترا از آن بدون شک بسود سبب موفقیت در مبارزه با دشمن است . در اینجا موضوع عدم اعتماد به رفقای سازمانی مطلقا مطرح نیست ، موضوع بر سر حفظ سازمان ، حفظ افراد و نیروهای سازمان ، حفظ شرایط و امکانات فعالیت سازمان و ادامه آنست . و این از وظایف اساسی فرد فرد ما است . یک فرد سازمانی ، هراند از کثرات سازمان ، از فعالیت آن ، از اعضای آن اطلاع داشته باشد ، در لحظات دشوار لخص سازمان را بصحر خواهد انداخت . هر کس که این نشه را در پی چهارچوب شرایط منحصر مبارزه بررسی کند بیقین چنین نتیجه خواهد رسید .

از این رو هر آنچه از سازمان میدانیم برای خود نگاه داریم ، در کار و فعالیت سازمانی بر رفقای خود آن اندازه بکوشیم نصاری آنها ضروری است . گاهی بدید میشود که افرادی برای آنکه خود را شخصیت مهم و مظلومی نشان دهند بائی ندارند از اینکه آنچه را که میدهند و با بر حسب نصاری بدان دست یافته اند برای دیگران بازگو نمایند . این کار ناپسندیدهای است ، از آن احتراز جوئیم ، ما افراد سازمانی که پیرو مشب مارکسیسم - لنینیسم واند بنه مائوتسه درون است به چنین تشحر مروتی ، به چنین تظاهرات ناسالمی نیازی نداریم . این حلقه حردی بورژوازی است ، ما و صیفه داریم اگر سر موشی هم از آن در وجود سرع داریم آنرا از خود دور سازیم ، ما همه خد متکزار حلقه ما ، اهمیت وسیع تاریخی هر یک از ما نیز همین است . این اهمیت ما را بر است بهیوده بالای و کزای بدنیال ایجاد اهمیت صوری و ساحتکی ناسیم .

از سویی دیگر در کار سازمانی باید از کجگاری بپرهیزیم ، برای کسب اطلاعاتی که برای ما ضروری ندرد بکوشش بر تخریب رفقای سازمانی خود را شوال هیچ نکنیم ، به آنها یکدستی نزنیم . هر کجگاری خود را با گردانیم برای آنکه از دشمنان اطلاعات بدست آوریم ، چیزی که در کسب موفقیت ما تاثیر بسیاری میتواند داشته باشد . خنه رفقای سازمانی که شجگاری در امور سازمانی میبرد از نوده مانع شنا شدن عناصر صحر میگردند که احیانابه صفوف سازمان راه یافته اند . بدیپی است که فن پنهان کاری به مراعات نکات فوق محدود نیست . کار در صحنه کشوری وون شک مستلزم توجه عمیق به نکات بر مراتب بینشتری است . اینها نگاهی است که میتوان باید در فعالیت های خارج از کشوری تار بست .

نگاه نداشتن آدمی و نام افراد (و لوا افراد غیر سازمانی) در رزند خود مراعات حد اکثر سرعت در انجام اموری که سرعت عمل در آنها ضروری است تا حدودی همزمره نکات فوق است .

از آنجا که در شرایط فشار و اختناق موجود ، مراعات پنهان کاری در مبارزه انقلابی برای لکبه رزندگان لازم است ، ما تمام رفقای سازمان ، هواداران سازمان و همه خوانندگان را بهیاری میخوانیم که هر آنچه که در تکمیل نکات فوق بنظرشان میرسد و همچنین تجاربی که در مبارزه خود بدست آورده با ما بیاورند برای استفاده همگان در اختیار ما هانا نومان بگذارند .

پیروز باد مبارزه قهرامین خلق دلاور فلسطین

به راه استالین... بقیه از صبح... عده کثیری از روشنفکران بدنبال "پنجاه سال" حویش یعنی در اردو سه استشارکسر بورژوازی فرمانروا برافاده اند و پیوسته برتعداد ان میافزایند امروز روشنفکران زمینه مساعدی را برای اپورتونیسیم وانحطاط بورژوازی تشکیل میدهند و اساس محکم و یگانه تکیه گاه در اردو سه فرمانروا بشمار می آید. از اینجهت در اردو سه مذکوراید ثولوزی طبقه کارگر را به روشنفکران رسوخ نمیدهد بلکه میگوید طبقه کارگر را تا سطح ایدئولوژیک روشنفکران بورژوازی تا سطح آن ایدئولوژی که با بورژوازی پیوند نزدیک دارد "ارتقا" دهد. پس شمار ما چنین است:

ایدئولوژی روشنفکران بعد از او را بر اندازیم و ایدئولوژی طبقه کارگر را رسوخ بکنیم!
 در اردو سه روزیونیسیت فرمانروای شوروی در تلقین این فدره کارگران میگویند که گویا منافع کارگران مستقل از سیاست است. کارگران را با سیاست چه کار؟ بران کارگران آنچه مهم است سعادت خصوصی است. سیاست را در شخصیت های مقامات عالیه است نه کار توده های کارگر. این منی اقتصادی که بنام حروشچف - برژنف معروف شده است هدف دیگری ندارد مگر نفی نقش سیاسی طبقه کارگر و اجرای سیاست در اردو سه حروشچف - برژنف که دارای هیچ وجه مشترکی با سیاست طبقه کارگر نیست. طبقه کارگر نیروی انقلابی عظیمی است. ولی در اردو سه حروشچف - برژنف که آخرین آثار روحیه انقلابی پرولتاری، خصلت طبقاتی و انترناسیونالیسم را از دست داده از آنچه میبهراسد همان عقبه کارگراست.

زمان سیاست را از قبضه دار و دسته فرمانروا بیرون کنین - چنین است و ضیفه پرافتخار طبقه کارگر آنچه در اردو سه استشارکسرها میبهراس می اندازد پشیمانی از انقلاب جهانی، یاری رساندن بآن و دفاع از آن است. زیرا که توسعه این امر اقتضا دارد در اردو سه هدف کوم از مایای حویش چشم بیوند. این در اردو سه از مقابله با آنها امپریالیستی، از خانه دران به صدور و غنم انقلاب و انشیمانی مبارزه مسلح خلقهای شفته رهائی، خود داری میورزد و سیاست بند و ست "مسالت آمیز" با امپریالیسم و گذشت نسبت با و با و با میجوید. این سیاست تسلیم طلبی در برابر امپریالیسم، اتحاد شوروی را بصورت سدی در برابر انقلاب جهانی در آورده است.

مرده بباد سیاست تسلیم طلبی و عقب نشینی دار و دسته فرمانروا. زنده با سیاست تعرضی انقلابی پرولتاریا.
 هر حلوشی خصلت طبقاتی دارد. در اردو سه حروشچف - برژنف عملاً دیکتاتوری پرولتاریا را در اتحاد شوروی ملحق ساخته، "جنبه قانونی" باین الما بخشیده و با بنظر طبقه کارگر طبقه بورژوازی را بجای دیکتاتوری پرولتاریا نشانده است. یگانه سنگ حکومت که میتواند در برابر دیکتاتوری بورژوازی قرار گیرد دیکتاتوری پرولتاریاست.

سرنگون باید دیکتاتوری عناصر منط بعد از او! برای احماد دیکتاتوری پرولتاریا در اتحاد شوروی قدم بپوشان گذارید.
 ویژگی در اردو سه فرمانروای شوروی اینست که میگویند تا کارهای زنت خود را از خلق پنهان بدارد و آنها را حتی المقدور پنهان نام بیوند. اکنون پانزده سال است که این در اردو سه پیوسته نام لنین را بر زبان دارد و آفرامی آید. ولی راهی که میباید سلاهیچ وجه مشترکی بالنیسیم ندارد.

لنینیست های امیل را از کسانیکه نام لنین را وسیل اغفای خود ساخته اند بخوبی بازشناسید. کارهای آنها تا امروز در دست روزیونیسیت فرمانروا و دار و دسته عناصر منط را جور آنها افتا کنیند.

در اردو سه فرمانروای شوروی در همین حال که خود را بر زیر نام لنین پنهان میدارد استالین، این لنینیست کبیر را در معرض اهانت قرار میدهد. اهانت به استالین هدف نیست. بلکه بهانه دم پا افتاده ای است برای آنکه در اردو سه روزیونیسیت فرمانروای شوروی در منی انقلابی استالین تجرد نظر کند و سیاست تسلیم طلبی که ایدئولوژی بورژوازی و اقتصاد استشاری را بجای آن بنشانند. اینست هدف واقعی.

مبارزه کنیم تا روزیونیسیم حروشچف - برژنف را درهم شکنیم. مبارزه کنیم تا روحیه و آرمان و افتخار استالینی را دوباره برگردانی نشانیم.

روزیونیستهای معاصر که عناصر منط بورژوازی شوروی هستند آنها را نعت انگیزی در باره حزب کمونیست چین و رهبران این می پرانند. از اپورتونیسیم حروشچف که با منی انقلابی حزب کمونیست در مبارزه است پشتیبانی می کنند و سپیده میگویند که جنگ داخلی در چین برانگیزند.

بست ما از چین توده ان کوتاه!
 در اردو سه برژنف ضافه انه اظهار میدارد که خواهان "وحدت کلبه نیروهای انقلابی" است. ولی در همین حال کلبه نیروهای انقلابی اصل را میبیراند. گام روشن است که هواداران برژنف با کلبه وسایل میگویند تا در پیروان سیاست تسلیم طلبی حویش و حدتی ایجاد کنند و از اینراه نیروهای انقلابی را به ترک مبارزه خدامیر - پالیستی وا دارند و آنها را از صورت نیروهای خدامیر پالیست به صورت نیروهای موافق "همزیستی مسالت آمیز" با امپریالیسم در آورند.

بروز در هیروی روزیونیسیتی و بخاطر رهبری ما در مبارزه کنیم. مبارزه کنیم تا انقلاب را در سراسر جهان به پیش برانیم. رنجبران جهان در زیر پرچم ما رکشیم. لنینیسم متعشوبید. رنجبران و خلق های مستعبد جهان در مبارزه انقلابی بر ضد امپریالیسم متعشوبید.

... در روستای ایران بقیه از صبح... جاسوسی آن کشور است وارد ایران شد تا "قرارداد کشت و صنعت" بین وزارت آب و برق ویت عده از شرکتهای امریکائی را امضا کند. بموجب این قرارداد ۷۰۰ هکتار از اراضی زیر سد ریزه شرکتهای امپریالیستی بمنصور بهره برداری واگذار شده است.

یت بارد یکریا این قرارداد توجه کنید: امپریالیستها در مطالعه و نقشه کشی وساحتمان سد ۲ میلیون تومان از صورت کشور را عارت کردند و اینست که سد آماده شده است ۷۰۰ (هفت هزار تومان) هکتار از بهترین اراضی را باین سد آبیاری میشود. در سوزمین حوزستان که بعلت حاصلخیزی خاصش سر زمین غله نامید میشود - تصرف میشود!

امریکاییها نتوانستند. در همین آبنااه یت هیت فرانسوی "برای اجرای طرحهای عمرانی خراسان بزرگ" وارد تهران شدند تا قرارداد "سرمایه گذاری مشترک ایران و فرانسه" امضا کنند. در همین ماه هیت دیکتاتور سرمایه گذاری امریکائی در معین یکی از کبیرا در و راهای ایران "کمالهای ضامی است مقیم امریکایا و هم اکنون در آن کشور دارای تا سیات مهم کشاورزی است "به تهران قدم رنجه کرد و" برای بازید و مطالعه و نحوه سرمایه گذاری به حوزستان عزیمت نمود.

ولی از همه ننگین تر و سوانتر قرارداد ای است که روز ۲۲ آبان گذشته بین ایران و کسرسوی مرگب از چهار شرکت امریکائی باضا رسید. اثره عمل این کسرسویوم چه از لحاظ نوع فعالیت و چه از لحاظ وسعت سرزمینی که در اختیار دارد بنظر است. سپس کسرسویوم تعظ به عملیات "کشاورزی مدرن" بلکه به کار بهره برداری از معدن که آبیاری، عمران مراکز شهری و روستایی، توسعه شبکه های مخابراتی، توسعه امکانات جلب سیاحان، تاسیس صنایع عدائی کسرو، توسعه سردخانه ها، توسعه فعالیتها آموزش حرفهای، بهداشتی و فرهنگی نیز میرد از دست. یعنی در واقع کلبه حیات اجتماعی منطقه در قبضه قدرت اوست. اما وسعت منطقه ان چیست؟ منطقه عمل کسرسویوم ۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و بند رها س، جاسک، میناب، جیرفت، باقی رانابند و لنگه و جزایر لارک و هنگا در بر میگیرد. مساحت این منطقه بنوشته روزنامه کیهان بهتر از خاک کشور هلند است. وسیله طرحی که باید اجرا شود بزرگ میلیاردها دلار بالغ میگرد.

چنین غرضی در سیاه ترین دوران های تاریخ ایران نیزمانند ندر. حتی ناصرالدین شاه و صفیرالدین شاه هانیز چنین اعتبار با امپریالیستهای خارجی ندادند. با بنظر طبقه کارگران امپریالیستها بخوبی امپریالیستها را در میورد و کلبه نشور اجتماعی مستعانت از اهر آنها که داشته میشود. ایران روزیونیسیت چهره مستعمر میگیرد. خلق ما در ایران این حیاتهای عظیم محمد رحمانا موکراتر و خداوند کارانش را این مجازات نخواهد گذشت. نتیجه مستقیم و نزدیک این حیاتها خورد شدن اقتصاد ملی، ورشکستگی سرمایه داران، حروشچف - برژنف در دست قسریندی در دست حویش و فشار پروتی در همان میان حال و تشدید است و همگروه پختار مربوط به "اصلاحات ارضی" را خواهد زد و وجه بیداری و هشدار نوده ها و اخلا رومیه انقلابی آنها که خواهد کرد.

در سراسر ایران زمین حیرتی هست بفرزد از تجاع و امپریالیسم است. اینک که موج جدیدی از مردم کشی در کشور ما بلند شده است. دانشجویان ایرانی در خارج که امکانات بیشتری برای فعالیت در اختیار آنهاست و عتلاف خطیری بر دست دارند. ضمن اجرای این عتلاف و وحدت همه دانشجویان بر اساس شعارهای عام ملی و موکراتیک است. هر روزیونیسیتی کبچنین وحدتی زیان برساند بزیان مصالح ولای میهن ما است. دانشجویان ایرانی ناشون سهم نایسته از درصا زرات ملی و نغدا امپریالیستی ایفا کرد مانند وامید میروند که با تحکیم و توسعه صفوف خود گام های بلند تر و پرافتخار تر در اینراه بردارند.

در سراسر ایلی که سازمان امنیت بمنصور احلال در مجبه مانناشجو اقدامات خود را (بنابر نوشته روزنامه ۱۶ آذر شماره ۱۰) در جهت "تغییش و تنمیع و تشدید" تشدید کرده و ضیفه دانشجویان است که هونیا رانه بمقابله بانغنه نهیگار انسا و بر حدیرند. اگر درست است که سازمان امنیت با کلبه وسایل در صد تغیش عتاید دانشجویان است در آن صورت طرح مسائلی که موجب افتنا تعلقات مسلکی و حزبی این یا آن دانشجو باشد در سراسر انهای دانشجوئی عملی است نادرست، دایمی است که سازمان امنیت با آن صید خواهد کرد. دانشجویان هنیار باید باین امر حیاتی توجه کامل داشته باشند و هیچگاه تابع احساسات خصوصی نکردند و بر برابر سازمان امنیت مانند نن واحد عمل کنند. فقط از اینراه است که ما موران فروما به سازمان امنیت در کسار ننگین تغیش عتاید نادام خواهند شد.

دانشجویان بر ضد رژیم امریکایا میگرد. گفتند که این جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی بمنصور سازمان دهی این مبارزه برنامه وسیعی را ندارند که ما است باید تا تمام قوا کوشید که دانشجویان ایرانی خارج از شوروی اتحاد بر دامنه سر زمین خود نائل آیند. پیوند خود را با مبارزات خلق ایران نزد بزرگند و همکاری بنوده های عظیم دانش و ادرا را بر او امریکایا جلب نمایند. در چنین حالتی این مبارزه نقش ارزنده ای بسود جنبش ملی و موکراتیک ایران بازی خواهد کرد.

نت نیست که نیرو و اختناق وسیله عده رژیم برای حذف خویش و جنایتکاری در نهاد اوست. با اقدامات موکراتیک میتوان دست او را از این یا آن جنایت کوتاه کرد ولی جنایت، نیرو و اختناق همچنان مضمون اساسی رژیم باقی خواهد ماند. تنها راه جلوگیری از جنایت رژیم، برانداختن آنست. در این هدف همه خلق ایران و از آنه مله دانشجویان نیز ذینفع اند.

بدون تردید لازمه مبارزه با رژیم عبارتست از شناخت دوست از دشمن و افتا دشمنان دوست نما. روزیونیستهای ایرانی که صادی عقب نشینی در ریجی و جنبه های مثبت عینی رژیم محمد رحمانا اند و چپ و راست پشیمانی روزیونیستهای شوروی از رژیم و فروش اسلحه شوروی به ایران رانانده میکنند (همان اسلحه ها کبکامروز در سرکوب خلق کرد بکار میروند و هر در سرنجی تمام خلق ایران نقش مثبت عینی خود را بحیثان بازی خواهد کرد) حق ندارند برای قربانیان همان رژیم اشک تصاح بریزند. اگر روزیونیستهای ایرانی هر آن که رژیم دست خود را به جنایتی جردید آورده میسازد فریاد مردم خواهی و خلقی دوستی میزنند و دشمنان آنان نفرین میفرسند در واقع برای آن نیست که دشمنان بحال مردم سوخته است. فریاد آنان برای فریب نودها است.

روزیونیستهای از آنجهت به ندهش ترور و اختناق و جنایات رژیم میرد ازند که اینگونه اعمال کاح آرزوهای آنان را راجع به "عقب نشینی در ریجی" در هم میریزد و دشوری "جنبه های مثبت عینی" آنها نیز بی اعتبار میگرد.

رژیم شاه برای آرایش چهره خود و پوشش جنایات احیرش از هم اکنون چشم امید به همکاران امپریالیست و روزیونیسیت حویش شرقی است. او از هم اکنون به اندیشه انجام مانور جدیدی (مانند شغرا حقوق بشر) است. ولی همچنانکه تجربه نشان داد ما است او همیشه با وجود تمام مانورهای رنگارنگ خود در مقابل اتحاد عمیق نوده های دانش و سرنگنه تر از میدان پیکار بیرون آمده است. در آینده نیز چنین خواهد بود.

عنوان جدید مکتوبات: X GIOVANNA GRONDA 26030 VILLA D'ADDA/ITALY
 حساب بانکی: X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

افتخاری

جبهه ملی آزادبخش

ویتنام جنوبی

روز ۲۰ اسفندماه برای هشتمین بار سالگرد تاسیس جبهه ملی آزاد بخش ویتنام جنوبی تکریم می‌شود.

این سالگرد نه تنها برای خلق ویتنام بلکه برای خلقهای سراسر کهنی سالگردی مهم و فراموش‌نشده‌ای است. خلق ویتنام جنوبی که برای رهائی خود از یوغ امپریالیسم جهانی هیچ راه و امکان دیگری غیر از توسل به جنگ نداشت، ای طولانی نمی‌یافت، قهرمانان با این پیکار دست برد، از هیچ مشکل و مانعی هرچند هم وسیع و پست‌نک بود، نهراسید و برای نیل به هدف نهایی مصمم گردیدند که از اردن هیچ قربانی و تحللی هم مصیبتی فروگذار ننمایند.

تاریخ چندین ساله مبارزات دلاورانه خلق ویتنام کوه‌آستان که این تصمیم ناچهارم حد حلال ناپدید می‌شود است.

خلق ویتنام جنوبی برای رهائی خود از یوغ اسارت امپریالیسم جهانی نوصیه‌های طاهر و صریح روبروی امپریالیسم قرار داد و در شوری و عمل به‌آه و وزش رفیق مائوتسه دون توسل یافت که پیروزی خلقهای چین، ویتنام شمالی و کره شمالی و کره جنوبی صحت آن بودند.

خلق ویتنام جنوبی اطمینان کامل داشت که اگر صلح را زمین بگذارد، به اندر زهای روبروی امپریالیسم "همزیستی مساوی" با امپریالیسم تن در دهد، زخمهای او در ناکشود و بران اسارتش طولانی نخواهد شد. خلق ویتنام جنوبی به کمک برادران شمالی خود کلبه مانورهای مزورانه را بازم ۵۰۰۰۰ نفر دفع کرد، به راه حلهای مطلقاً "سیاسی" برای "حل مسأله ویتنام" تن نداد و هر روز پیش از پیش مجریه‌ها مصمم تر بر اراده تریه توسعه جنگ نوده ای همت گماشت. امروز نیز که امپریالیسم امریکا فشار افکار جهانی و بعثت بی اثر ماندن بمبارانهای چهارساله ویتنام شمالی - که تنها اثرش نشدند تصمیفات امپریالیسم امریکا بوده است - به قطع بدون هیچ و شرط این بمباران تن داده و در رژیم و اراده خلق ویتنام حلالی وارد ننموده است. نمایندگان ویتنام شمالی و جنوبی به اینجهت به صحنه مذاکرات آمده‌اند که از یکطرف قطع بمباران ویتنام شمالی بدون هیچ و شرط بوده است و از طرف دیگر شرکت در این مذاکرات یک مانور دیگر امپریالیسم امریکاراکه خود را اقم "حل مسأله ویتنام از راه سیاسی" معرفی میکند با شکست ختم‌نمانده مواجه سازد. خلق ویتنام کوه‌آستان معتقد به آنستکه پیروزی نهایی را مبارزه قهرآمیز نوده هاد در کل کشور فراهم میسازد. رفیق هوشی مینه در اعلامیه ای که به همین مناسبت انتشار داده، بدستی خاطر نشان میسازد: "ما زمانیکه یک سر باز نماند در کشورمان باقی است بایستی بیکار کنیم تا او را هم از سر زمین خود برانیم. بیکار که مردم کشور ما و مردم سایر جزایر ویتنام پرچم غرور بخش جنگ آزادی بخش نوده ای را برافراشته نگاه دارند. به پیش روند، نابه پیروزی کامل نائل آیند. . . . خلق ما که حدود صد سال است که در استعمار سر میبرد و پیش از بیست سال است که با امپریالیسم تجاوز می‌جنگد پیش از هر کس در پیکره صلح غلاف نده است. ولی این صلح بایستی صلحی واقع و ماند و همراه با استقلال و آزادی ما تحقق یابد."

جبهه ملی آزاد بخش ویتنام جنوبی نیز که برای درهم شکستن نوظفد یلغاسی اخیر امریکا آمادگی خود را اجنبی بر شرکت در مذاکرات اعلام نمود، پیش از هر کس دیگر معتقد به آنستکه "امپریالیسم امریکا از راه تجاوز و خونخواری در ویتنام مصرف نکرده‌اند، بلکه حتی در تلاش آیند که جنگ را توسعه دهند و حکومت پوشالی ویتنام جنوبی را بر مسند قدرت نگاه دارند."

کمینه‌گویی جبهه ملی آزاد بخش ویتنام جنوبی در اعلامیه ای که به همین مناسبت انتشار داده، بار دیگر اراده شکست ناپذیر خلق ویتنام را که تا پیروزی نهایی مصمم به ادامه مبارزه است بیان داشته: "تمام همپیمانان ما و افراد ارتش رهائی بخش بایستی همسانه و بدون تزلزل به نبرد خود ادامه دهند و تا پیروزی نهایی انزای ننشینند."

●●● به راه استالین رهسپار شویم ●●●

محمول عمده فعالیت پانزده ساله خروش جدید پرولتاریت عیارت از اینستکه قتر استشاراگری که نمایندگ مایع پرولتاریت است - بر اساس اتحاد شخصیت هائی از روشنفکران و از خانواده های قدیم روشن فکری با شخصیت هائی از حزب و حکومت که از مردم بریده‌اند - به قدرت رسیده. این قتر خود پسند در حالیکه به زیان طبقه کارگر تروتمند می‌شود چنین جلوه میدهد که بسود این طبقه در مبارزه است. کسانی که حقیقتاً بسود طبقه کارگر عمل میکنند نیازی به مزایا و آسودگی هائی که از عارت کارگران و زحمتکشان حاصل می‌شوند ندارند. در اردو سته فرمانروای شوروی مدتهاست که در خدمت خلق نیست. این در اردو سته بصورت غده ای درآمد داشت که از خلق نعدیه میکند و کگوی خلق را میفشارد.

کارگران! با هرگونه امتیاز مبارزه کنید! با استعمار دارو سته فرمائید! که دارو سته "کار فرمایان" جدید بسوزد و است. مبارزه کنید!

در اردو سته فرمانروا ورود ایدئولوژی و فرهنگ پرولتاریت را فعالانه ترعیب میکند و اینکار را فقط بمنظور سرور حاکم خود در پیش نکرده است بلکه در درجه اول می‌خواهد ایدئولوژی کارگران و دهقانان را "تعمیر دهد". روحیه انقلابی طبقه کارگر را بکشد و طبقه را عوری "ببازد" که در تمامین منافع وی قابل استفاده باشد. در اردو سته فرمانروا از روشنفکران برای اناعاضا فترازیان بخش پرولتاریت مانند فرد کراشی، خود خواهی، شهوت پروری و هرگونه نفعی صندل پرولتاریت استفاده میکند. بقیه در ص ۳۰

"کروه استالین" مرکب از فواداران به مارکسیسم-لنینیسم که فعالیت معنی در اتحاد شوروی منموم می‌باشند تراشی تحت عنوان "براه استالین رهسپار شویم" منتشر ساخته و پرولتاریا و سایر زحمتکشان شوروی را بسرنکون ساختن روبرویونیستهای غاصب حکومت و استعمار جدید در پختاوری پرولتاریا دعوت کرده است. اینک تراکت مذکور:

"در طی پانزده سال اخیر یعنی از زمانیکه در اردو سته خروش جدید - پرولتاریت به قدرت رسیده تعمیرات عمیقی در جلوی همگان در کشور ما روی داده است. مددک هنوز کوشش بسیاری لازم است تا همگان واقعا بمضمون این تعمیرات پی ببرند. سرشت حکومت شوروی در کرون شده است. سیاست، ایدئولوژی و اقتصاد دولت هم در کرون شده است. نتیجه ناکرزی این در کرون ها عیارت است از: اشعاب جنبش کمونیستی، انفرادی و اعضای اتحاد شوروی و دشواری وضع داخلی. ولی رژیم خروش جدید - پرولتاریت می‌خواهد با عوارضی سیاست بازانش، شکست خویش را بسوزاند و در باره پیروزیها و کامیابیهای دروغین جنجال برپا کند. ناخشنودی و فشار کارگران و دهقانان، این در اردو سته را وارد شده است که بمضمون نکهادری موقعیت تزلزل خود و حفظ مزایا و آسودگی کیهانی که بزیان کارگران و دهقانان بیچند آورده نه سفرهای با آنها تار کند."

رفقا! با بدگنه امور را دریافت! نباید بفریب سخنان بوج پرولتاریت و صدقه های کاسیکین گرفتار آمد!

سرمایه های امپریالیستی و وابسته با امپریالیسم

در روستای ایران

تعمیرات هایشیکه بمنظور تعمیر ماشین آلات مذکور در برخی از استان ها در اثر نده نیز مستقیم تحت نظر کمپانیهای امپریالیستی است. در همان نخستین روزهای تپه سروصدای "اصلاحات ارضی" در ایران بلند شد. جرائد خبر دادند که این اقدام "در امریکا خیلی مورد توجه قرار گرفته" و "کارخانه مورد برای فروش تراکتور به ایران منموم اقدام شده است."

در ۱۱/۸/۱۳۴۳ هشیت وزیران بموجب تصویب نامه ای

بیک شرکت سوئدی اجازه داده. سرمایه لازم را بصورت تاسیس کارخانه مونتاژ ماشین آلات کشاورزی و کامیون "با شرکت سرمایه - های خیرادوری ایران وارد نماید."

پت نگاه به مجاری اقتصادی ایران نشان میدهد که چگونه دلالاتی که هیچ گونه ترکی در امر تولید ندارند نمایندگی انحصاری این بآن کمپانی امپریالیستی را در فروش ماشین آلات کشاورزی و فلاحیت بدست آوردن نمایندگی آنها با استعمار روستای ایران منموم اند.

اما امپریالیستها به سرمایه گذاری مستقیم در روستای ایران نیز دست زده‌اند. این اقدام سابقا هم صورت می‌گرفت و نمایندگان "اصحی" بوسیله سازمان برنامه تحت عنوانی مانند ساختمان "مدرسه نمونه" و "مرداری جدید" و غیره راهی به نمایران کشوده بودند. ولی شیوع آن را باید مربوط بدوران رژیم کودتا و دوره سالهای اخیر دانست.

بمعاون نمونه عنوان از تصویب نامه هشیت وزیران در آبان ماه ۱۳۴۳ نام برد. بموجب یکی از آنها بیک کمپانی امریکائی اجازه داده می‌شود که "سرمایه لازم" را بصورت همکاری با "شرکت سهامی بهره برداری صنایع چوب کیلان" وارد کشور کند. بموجب تصویب نامه دیگر کمپانی دیگر امریکائی اجازه داده می‌شود که تسایع ۱۰۰۰۰۰ دلار بصورت اعضای وام بآقای اردشیر - وفاداری جهت اجرا "پروژه کشاورزی و دامداری بشنور وارد نماید" اسال رژیم کودتا با انعقاد یک سلسله قراردادها با کمپانیها خارجی بنام "قرارداد کشت و صنعت" دست زده که سرزمینهای وسیعی از زمین ماراد را اختیار استشاراگران بیگانه میکند. در نخستین قرارداد از این نوع بابت شرکت یوکوسلاوی منعقد شد و در قرارداد دوم سرمایه داران امریکائی شرکت کردند. در آبان ماه اسال و پیلایم وارن که سابقا رئیس "اصل" در ایران بود و یکی از عمال سرشناس انحصارهای امریکا و اداره بقیه در ص ۳۰

در زیر جریان سطحی "اصلاحات ارضی" و "تقسیم ارضی" - در میان عمیق دیگری در روستای ایران میگذرد که عبارتست از نفوذ سرمایه های خیرادوری و امپریالیستی.

امپریالیستها و ایادی آنها از "اصلاحات ارضی" شاه بطور کلی دو هدف داشتند: یکی جلوگیری از انقلاب دهقانی، که باید آن را هدف عمده دانست، و دیگر نشان دادن ایران براه سرمایه داری و کشودن روستای ایران بر روی سرمایه های امپریالیستی و وابسته به امپریالیسم.

از جمله راه های نفوذ سرمایه های خیرادوری و امپریالیستی در روستای ایران میتوان این دو را ذکر کرد: یکی راه غیر مستقیم فروش ماشین آلات کشاورزی و دیگر راه مستقیم سرمایه گذاری در دام داری و فلاحیت.

راه اول روشن است: باشیوع شیوع استعمار سرمایه داری در ده روز بروز نیاز زمینداران به ماشین آلات کشاورزی، از تراکتور و حصرن کوب گرفته تا نعلبه های دستی، افزایش می‌یابد و زمینه برای فعالیت کمپانیهای خارجی فراهم می‌شود و نمایندگان کمپانی ایرانی آنها را هم میگرد. سازمان برنامه که در واقع سازمان برنامه ریزی امپریالیستی در ایران است در مهرماه ۱۳۳۱ بتاسیس "بنگاه توسعه ماشین های کشاورزی" دست زد که چیز دیگری نیست جز واسطه میان کمپانیهای امپریالیستی و مالکان ایرانی.

خلق قهرمان ویتنام تا کون تمام نرفته های تجاوز امپریالیسم امریکار با شکست مواجه ساخته است. شکست امپریالیسم امریکا، شکست ارتجاع جهانی است، پیروزی خلقهای سراسر کهنی پیروز پرولتاریای جهانی و ملل ستمدیده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را نوید میدهد.

بدون شک پیروزی قطعی خلق ویتنام و شکست قطعی امپریالیسم هنوز انجام نرسیده است. بدون شک امپریالیسم امریکا بازم به آرمانشهای دیگری دست می‌برد و بازم قربانیان بیشتری میطلبد. بدون شک هنوز مصائب فراوانی در انتظار خلق ویتنام است. خلق ویتنام ناکرزی است که برای رهائی قطعی خود بازم فداکاری به خرج دهد. ولی در یک واقعیت تردیدی نیست: این جنگ هر چه بیشتر طول انجامد، شکست امریکا خطرناکتر، خضمانه تر و دردانه تر خواهد بود. این جنگ هر چه بیشتر طول انجامد اتحاد مردم ویتنام بیشتر، نیروی آنها قویتر و پیروزیشان عظیم تر خواهد گشت. اینست قانون اساسی جنگهای نوده ای که پیروزی خلقهای چین، ویتنام شمالی و کره شمالی بر آن صدها داشته است و امروزه نیز مبارزات خلقهای ویتنام جنوبی، فلسطین، برمه، تایلند و دیگران بر آن صدها میگذارد.

مرونده باد سالگرد تاسیس جبهه ملی آزاد بخش ویتنام جنوبی

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتاری است